

## کنشگری کاربران ایرانی رسانه‌های اجتماعی مجازی در زوال و بر ساخت ارزش‌های اخلاقی رسانه؛ (مطالعه شش مورد رویداد در شبکه اینستاگرام)

علی اصغر کیا<sup>۱</sup>

ناهید سعادت سیرت<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله شش رویداد در رسانه اجتماعی اینستاگرام که در حال زوال و بر ساخت ارزش‌های اخلاقی و مورد بحث کاربران ایرانی قرار گرفته اند مطالعه شده است. این شش رویداد در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ در اینستاگرام آغاز شد و دامنه بحث مربوط به آنها در سایر رسانه‌ها و وب سایت‌های فضای مجازی گسترش پیدا کرد. هدف از این پژوهش چگونگی زوال و بر ساخت ارزش‌های اخلاقی در شبکه اینستاگرام با رویکرد کنش ارتباطی (حوزه عمومی) یورگن هابرماس است. مطالعه به شیوه کیفی با رویکرد اکتشافی و برمبنای کامنت و نظرات کاربران حول این شش رویداد مبنای تحلیل بوده است. از میان هزاران کامنت کاربران فضای مجازی درباره هر رویداد مورد بررسی در مجموع ۲۹۶ کامنت برای تحلیل انتخاب شدند. این نظرات در قالب مدل کیفی برآمده از دل داده‌ها با عنوان «مدل کنشگری کاربران ایرانی» دربرساخت و زوال ارزش‌های اخلاقی رسانه‌های اجتماعی مجازی (اینستاگرام) ارائه می‌شود.

**واژگای کلیدی:** رسانه‌های اجتماعی مجازی، اینستاگرام، کاربران، ارزش‌های اخلاقی، زوال و بر ساخت.

<sup>۱</sup> استاد و مدیر گروه روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبائی، keya@atu.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

nahid.saadatsirat@gmail.com

## مقدمه

اشاعه رسانه‌های مجازی در بین جوامع، بدون شک بر شیوه زندگی مردم دنیا، تأثیرگذار بوده است و به تبع آن، الگوهای رفتاری و اخلاقی جوانان ایرانی نیز متأثر از اشاعه سریع فرهنگ نوین سایر ملل و جوامع غربی است. از مهمترین دستاوردهای فناوریانه عصر دیجیتال، ظهور رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی است. به واسطه ظهور و گسترش این رسانه‌ها، امکان مشارکت گسترده کاربران در تعامل رسانه ای فراهم شده است. رسانه‌های اجتماعی ابزارهای اینترنتی هستند که بر مبنای قابلیت‌های فناوریانه وب ۲ ایجاد شده اند و امکان تولید و تبادل محتوای تولید شده توسط کاربران را فراهم می‌کنند (کاپلان و هانلین، ۲۰۱۰). وب ۲ دارای قابلیت‌هایی است از جمله به کاربران اجازه می‌دهد فعالیت‌های بیشتر از بازیابی اطلاعات داشته باشند. وب ۲ شامل رسانه‌های اجتماعی مجازی است که در آن کاربران می‌توانند محتوا را تولید کرده و تعمیم دهند و در این فرایند برای اشتراک و استفاده مجدد از محتوا به طور آزادانه استفاده کنند (مارویک و بوید: ۲۰۱۴، ۷). با تغییر رویکرد مخاطبان رسانه‌ها از رسانه‌های ارتباط جمعی به رسانه‌های اجتماعی مجازی و با ورود مخاطبان رسانه‌ای به دنیای تولید رسانه‌ای در قالب کاربران اینترنتی که از طریق رسانه‌های اجتماعی امکان پذیر شده، حال اخلاق رسانه‌ای مفهومی بسیار گسترده تر پیدا کرده است. ارزش‌های اخلاقی در رسانه‌های مجازی مدام در حال زوال و بازتولید ارزش‌های اخلاقی هستند به گونه‌ای که کاربران به طور خودگزینه به تولید محتوای ارزش‌های اخلاقی در جهت زوال و برساخت این ارزش‌ها می‌پردازند. هدف از این پژوهش نحوه زوال و بازسازی ارزش‌های اخلاقی در تقابل کاربران در شبکه اینستاگرام است اینکه چگونه در شبکه اینستاگرام همانگونه که ارزش‌های اخلاقی توسط کاربران زوال می‌یابند، بر ساخته نیز می‌شوند. بستر رسانه‌های مجازی سرفصل‌های اخلاقی جدیدی ایجاد کرده است. در عصر ارتباطات جمعی که مخاطبان دریافت کننده محتوای تولیدی رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون بودند، مهمترین مباحث اخلاق رسانه‌ای به حوزه تولید محتوا مربوط می‌شد. این مقاله عنصر ارزش‌های اخلاقی در کنشگری کاربران را مورد هدف قرار داده است که در رسانه‌های اجتماعی مدام در حال تخریب

و بازسازی این ارزش‌هاست. بدین منظور شش رویداد جنجالی در شبکه اجتماعی اینستاگرام که از جنبه‌های اخلاقی محل بحث کاربران ایرانی بودند مطالعه شده‌اند. این شش رویداد در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ در اینستاگرام آغاز شده‌اند ولی دامنه مباحث مربوط به آنها در سایر رسانه‌های اجتماعی و وب سایت‌های مجازی گسترش پیدا کرده است. مطالعه به شیوه کیفی انجام شده و کامنت‌های کاربران حول این شش رویداد مبنای تحلیل بوده است.

### ادبیات نظری

شبکه‌های اجتماعی مجازی یا همان نسل دوم رسانه‌های جدید وسایل تولید محتوا را ارزان تر و دسترسی به آنها را آسان تر نموده‌اند در نتیجه بیشتر مردم این امکان را یافته‌اند تا نقش‌هایی را ایفا کنند که در گذشته از طرف رسانه‌های جریان اصلی صورت می‌گرفت. این ویژگی امکان قرار گرفتن در نقش تولید کننده رسانه‌ای برای اغلب شهروندان را ایجاد کرده است، هرچند در اخلاق رسانه‌ای به مفهوم کلاسیک آن غیر حرفه‌ای‌ها نیز نقش دارند، اما در اخلاق رسانه‌های اجتماعی غیر حرفه‌ای‌ها نقش کلیدی پیدا نموده‌اند. بنابراین افراد جدیدی که اکنون از این امکان برخوردار هستند، لزوماً کفایت یا تعهد اخلاقی ندارند و یا از التزام اخلاقی نقش حرفه‌ای نفعی نمی‌برند (اسپنس و همکاران: ۲۷، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر بسیاری از افرادی که «روزنامه نگار-شهروند» نامیده می‌شوند، در خصوص مباحث تولید حرفه‌ای رسانه از جمله عینیت توجیه نیستند و یا لزومی به رعایت آن نمی‌بینند. با این حال کارشناسان اخلاق روزنامه نگاری نیز معترفند غیر منصفانه است که تصور کنیم روزنامه نگاران شهروندی انگیزه‌های اخلاقی ندارند (اسپنس و همکاران: ۵۹، ۱۳۹۳). ورود به تحلیل اخلاقی این فضا از منظر اخلاق روزنامه نگاری، برای تحلیل رسانه‌های تعاملی جدید اینترنتی ناکافی است و فهم کاملی از تحولات اخلاقی در رسانه‌های اجتماعی حاصل نمی‌کند. از منظر اخلاق روزنامه نگاری حرفه‌ای، فعالیت شهروندان در تولید و انتشار محتوا یکی از تهدیدهای روزنامه نگاری حرفه‌ای در عصر جدید تلقی می‌شود (اسپنس و همکاران: ۱۱۲، ۱۳۹۳). پس اتخاذ رویکرد تحلیلی مناسب

برای فهم جامع تر تحولات اخلاقی در رسانه‌های اجتماعی، مستلزم تجدید نظر در اخلاق روزنامه نگاری و گشودن فصل جدیدی تحت عنوان «اخلاق رسانه‌های اجتماعی» است.

مصرف رسانه‌های اجتماعی پیامدهای اجتماع، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قابل توجهی را به دنبال خواهد داشت و از این جهت این رسانه‌ها در سال‌های اخیر موضوع مطالعه علوم مختلف شده‌اند. اخلاق در عصر رسانه‌های اجتماعی موضوعی است که با گسترش استفاده از این رسانه‌ها به تازگی مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا دیدگاه «تونیا ریس»<sup>۳</sup> قابل یادآوری است. از نگاه او حریم خصوصی، هویت دیجیتال، توازن قدرت و کنترل داده‌ها چهار مسئله اخلاقی اصلی مرتبط با این رسانه‌ها هستند و آینده فضای مجازی و زندگی در عصر جدید را رقم خواهند زد (مولایی، ۱۳۹۱). اول اینکه کاربران رسانه‌های اجتماعی بیش از هر چیز در سال‌های اخیر با مسئله حریم خصوصی مواجه بوده‌اند. دومین مسئله هویت دیجیتال است. کاربران این امکان را پیدا کرده‌اند که با هویت‌های متفاوتی در رسانه‌ای اجتماعی به خصوص شبکه‌های اجتماعی آنلاین ظاهر شوند. سومین چالش اخلاقی تغییرات توازن قدرت و به صدا درآمدن صداهای خاموش است. سرانجام چهارمین مسئله کنترل داده‌ها است (ریس، ۲۰۱۱). در نتیجه مسئله اخلاق در رسانه‌های اجتماعی، مسئله‌ای چندبعدی و بسیار پیچیده تر از مباحث اخلاقی در رسانه‌های جمعی است. باید توجه داشت آنچه از اخلاق در این رویکرد و در این مقاله مدنظر است، تقابل‌های اخلاقی برآمده از تعاملات کاربران رسانه اجتماعی اینستاگرام در این حوزه عمومی است. از این نظر رویکرد پژوهشی این مقاله در پرداختن به اخلاق رسانه در حوزه اخلاق عملی است و متفاوت با اخلاق نظری می‌باشد. اخلاق عملی معمولاً به فلسفه درست و نادرستی نمی‌پردازد بلکه به آداب و سنن رایج اشاره دارد (هوسمن: ۱۳۸۸، ۲۲). در این زمینه معتمدنژاد اخلاق را از اصول اخلاقی متمایز می‌کند و اینگونه توضیح می‌دهد: واژه اتیکس (اخلاق نظری یا اصول اخلاق) از زبان لاتین و کلمه «مورس» گرفته برداری شده است. اولی برای مشخص کردن معیارهای

رفتار نیک و دومی برای معرفی کردن یک رویکرد خردگرا و حتی عملی و توجیهی، در مورد «قواعد رفتاری» به کار گرفته شده است (معمد نژاد: ۱۳۸۵، ۳۵). بنابراین می‌توان گفت در حالی که دستورالعمل‌ها و قواعد اخلاقی در حوزه «اخلاق نظری» یا «اصول اخلاقی» است، آنچه از دل تعامل کاربران در حوزه عمومی رسانه‌های جدید حول محور اخلاق می‌گذرد در حوزه «اخلاق عملی» قابل گنجاندن است.

### کنش ارتباطی (حوزه عمومی) یورگن هابرماس

هابرماس ریشه‌های حوزه عمومی را درون سالن‌ها و مجامع عمومی بحث‌های آزاد و علنی قرن هجدهم جست و جو می‌کند: با شگاه‌ها، کافه‌ها، روزنامه‌ها و مطبوعات که در واقع طلایه دار و پیشگام روشنگری ادبی و سیاسی اروپا به شمار می‌رفتند. در این مجامع و مراکز مباحث متعدد و پرباری راجع به نقش سنت صورت می‌دادند (نوذری: ۱۳۸۹، ۴۳۴). حوزه عمومی بورژوازی در وهله اول قلمرویی بود که در آن افراد خصوصی گردهم می‌آمدند و عموم را شکل می‌دادند. این افراد به تدریج توانستند حوزه عمومی تحت کنترل دولت را زیر سیطره خود درآورند و اقتدار دولت را به چالش بکشند. افزون بر این آنها موفق شدند درباره قواعد کلی که بر حوزه ذاتا خصوصی ولی مرتبط با حوزه عمومی مانند مبادله کالا و کار اجتماعی حاکم بود با صاحبان قدرت وارد بحث و منازعه شوند. براین اساس حوزه عمومی هابرماسی فضایی سیاسی است که در آن حقوق افراد به عنوان شهروندان آزاد و برابر به رسمیت شناخته می‌شود و جماعت سیاسی شکل می‌گیرد. به این علت که ارتباطات افراد در وضعیت آرمانی گفت و گو از هرگونه اجباری رهاست، گفت و گو در حوزه عمومی می‌تواند به توسعه دموکراتیک در همه سطوح اجتماع منجر شود (ربیعی و همکاران: ۱۳۹۱، ۹۶). مفهوم حوزه عمومی فضایی را برای تبادل نظر با اعضاء ایجاد می‌کند. این فضا باید مستقل از نهادهای دولتی بوده و از فشارهای بخش خصوصی و منافع تجاری نیز رها باشد. به عبارتی این فضایی است که رفتار یک شهروند خردگرا را تسهیل و تشویق می‌کند (کرنر: ۱۳۹۲، ۴۲). به عقیده هابرماس گفت و گو در حوزه عمومی هنگامی نقش رهایی بخش خود را ایفا خواهد کرد که شرایط خاصی برقرار

باشد. این شرایط از این قرارند: شکل و محتوای گفت و گو باید عقلانی - انتقادی باشد؛ در حوزه عمومی تنها درباره موضوعات مدنی مشترک بین شهروندان باید گفت و گو شود؛ و طرح موضوعات خصوصی مجاز نیست؛ شرکت کنندگان باید همه تفاوت‌ها و تمایزات میان خود را نادیده بگیرند و همچون افراد برابر در گفت و گو مشارکت نمایند؛ فرایند گفت و گو محدود به شکل‌گیری افکار عمومی است و هرگز نمی‌تواند به تصمیم‌سازی‌های عملی و اداری منتهی شود (میناوند: ۱۳۸۵، ۱۲۵).

«ابری» گر همین زمینه با اشاره به عقیده هابرماس، سه عنصر اصلی حوزه عمومی را اینگونه برمی‌شمارد: حوزه عمومی به مکانی برای تبادل نظر نیاز دارد که برای همه قابل دسترسی باشد و امکان بیان و مجادله تجربیات اجتماعی و دیدگاه‌ها در آنها وجود داشته باشد؛ در حوزه عمومی مواجهه با دیدگاه‌ها و نقطه نظرات از طریق مباحثه عقلانی و منطقی صورت می‌گیرد؛ بازبینی و نظارت منظم و نقادانه بر سیاست‌های دولت، وظیفه اصلی حوزه عمومی است (مهدی زاده: ۱۳۹۱، ۳۳). به طور کلی حوزه عمومی گونه‌ای فضای عمومی است که در آن: ۱. افراد به شیوه عقلانی به بحث می‌پردازند؛ ۲. این بحث به توافقی منجر می‌شود؛ ۳. قدرت در این بحث‌ها دخالتی ندارد؛ ۴. افراد همگی می‌توانند در این بحث‌ها به صورت برابر شرکت کنند؛ ۵. هر موضوع می‌تواند در این بحث‌ها مطرح شود؛ ۶. در این بحث‌ها علنی بودن وجود دارد یعنی افراد می‌توانند حتی مسائل خصوصی خود را مطرح و نتایج مباحث را در معرض عموم قرار دهند؛ ۷. این بحث‌ها همیشه باز است و همواره می‌توان به آن رجوع کرد و درباره درباره آن بحث کرد (ارمکی: ۱۳۸۳، ۶۵).

### مروری بر مطالعات پیشین

برخی مطالعات حوزه اخلاق و رسانه‌های اجتماعی، جنبه‌های پیچیده تری از اخلاق در این فضای جدید را روشن کرده است. به عنوان نمونه مطالعه لایت و مک گراث درباره فیسبوک نشان داد این وب سایت شبکه اجتماعی، فارغ از کاربرانش

دارای ارزش‌هایی اخلاقی است. به عبارت دیگر آنها درباره این حرف می‌زنند که چگونه تکنولوژی همانند انسان‌ها می‌تواند دارای شخصیت اخلاقی باشد. آنها با مطالعه کیفی در مدت دو سال و از طریق مشاهده مشارکتی، ساختار شبکه را تحلیل کرده و نشان داده‌اند مراحل از قبیل عضویت در وب سایت، ساخت و تکمیل پروفایل، به اشتراک گذاری محتوا و فعالیت‌های اطلاع رسانی در فیسبوک، مسائل مهمی از قبیل هویت، حریم خصوصی و امنیت را در این شبکه تعیین کرده و نقشی اخلاقی ایجاد کرده‌اند (لایت و مک‌گراث، ۲۰۱۰). همچنین در یکی از اولین مطالعات اخلاق رسانه‌های اجتماعی، به اخلاق وبلاگ نویسی توجه شده و تمایز بین دو گروه وبلاگ نویسان شخصی و غیرشخصی در توجه به اخلاق رسانه از طریق پیمایش مطالعه شده است. چهار بعد برای سنجش اخلاق مدنظر قرار گرفته: حقیقت‌گویی، استناد، مسئولیت‌پذیری و به حداقل رساندن آسیب. نتایج نشان داده وبلاگ نویسان غیر شخصی، در توجه به اخلاق رسانه‌های بیشتر به روزنامه نگاران نزدیک هستند (سنت و همکاران، ۲۰۱۰). این مطالعه هرچند به اخلاق در رسانه‌های اجتماعی پرداخته اما از زاویه دید اخلاق روزنامه نگاری به این پدیده نگریسته است. در مقاله دیگر ارون ۶ مجادلات اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی حول شایعات مربوط به سلبریتی‌ها را با مطالعات ۹۰۰ کامنت انگلیسی و فنلاندی با شیوه ترکیبی کمی و کیفی مطالعه کرده است (ارون، ۲۰۱۳). مطالعه او به چهار شیوه مجادله مبتنی بر قیاس ناکامل شامل نظری، عملی، مقوله‌ای و دیجیتالی رسیده است. پژوهش از این منظر که اخلاق عملی را در سویه کاربران مطالعه کرده همسو با مقاله حاضر است.

جست و جو در منابع فارسی نیز نشان داد مطالعات اخلاق در فضای مجازی محدود بود و این حوزه جدید در ابتدای راه قرار دارد. یافته‌های سعیدی، حاجی حسینی و سعیدی (۱۳۹۲) حاکی از آن است که متغیرهایی همچون میزان دسترسی به اینترنت، عدم توان مالی برای خرید نرم افزارها و محصولات فکری و همچنین نگرش اخلاقی دانشجویان بر نقض قانون حق نشر در اینترنت تأثیرگذار است. ببران، خانیکی و طاهریان (۱۳۹۳) رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در خبرهای خبرگزاری‌های

رسمی ایران را مطالعه کرده اند. آنها نتیجه گیری کرده اند عدم رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در ۵۰ درصد از خبرگزاری‌های کشور را می‌توان در عواملی مانند: عدم وجود اصول اخلاق حرفه‌ای مدون برای رسانه‌های کشور، عدم وجود رسانه‌های خصوصی و دولتی بودن تمام رسانه‌ها، جست و جو کرد. در مطالعه دیگر صادقی آرانی، میر غفوری و ثابت (۱۳۹۲) تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در فضای سایبری و عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر آن را در شهر یزد مورد توجه قرار داده اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد شکاف بین اعتقادات اخلاقی و عملکرد کاربران اینترنتی در شهرستان یزد معنادار نیست. یزد خواستی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان حوزه عمومی و گفت و گو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی مجازی دریافته‌اند که هر چند ارتقای امکان برقراری ارتباط و داد و ستد اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان گفت و گو را ارتقاء می‌دهد، اما محدود و مخدوش کننده آن هم است. محدودیت مورد نظر اساساً از توزیع نابرابر امکان‌های مرتبط با اینگونه فناوری‌ها ناشی می‌شود و وضعیت خاص حوزه عمومی مجازی هم گفت و گو میان فرهنگ‌ها را مخدوش می‌کند. در واقع شبکه‌های اجتماعی مجازی به واسطه حوزه عمومی مجازی که پدید می‌آورند، گفت و گو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کنند.

#### روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شده و در حوزه مطالعه ارتباطات رایانه‌ای (لیندلف و تیلور: ۱۳۸۸، ۳۰۹) قرار می‌گیرد. ارتباطات رایانه‌ای فرایندی است که از طریق آن انسان‌ها نقش کاربران می‌پذیرند و معنا را خلق، حفظ و منتقل می‌کنند (لیندلف و تیلور: ۱۳۸۸، ۳۱۱). برای مطالعه زوال و برساخت ارزش‌های اخلاقی در کنشگری کاربران رسانه‌های اجتماعی در دو سطح، نمونه‌هایی با رویکرد نمونه‌گیری نظری (گام به گام) (فلیک: ۱۳۸۸، ۱۳۸) انتخاب شده است. در سطح اول نمونه‌گیری، تقابل‌های ارزش‌های اخلاقی حول آن شکل گرفته، تعداد شش مورد انتخاب شده است. سپس در مورد هر رویداد با جست و جوی گسترده در میان منابع موجود در فضای مجازی، مباحث شکل گرفته حول رویداد شامل نظرات کاربران که



در فضای مجازی «کامنت» یا «پست» گفته می‌شود، گردآوری شده است. رویداد جنجالی رویدادهایی هستند که تعداد قابل توجهی از کاربران شبکه اینستاگرام از طریق انواع امکان‌های تولید یا بازنشر محتوا نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند و همچنین رسانه‌های جریان اصلی اعم از مطبوعات، وب سایت‌های خبری و حتی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز بدان توجه کرده و مطالبی درباره آن منتشر کرده‌اند.

این شش رویداد در سال‌های اخیر از ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ در اینستاگرام به وقوع پیوسته‌اند (نگاه کنید به جدول شماره ۱). اما این رویدادها به اینستاگرام محدود نمانده و دامنه مباحث مربوط به آنها در سایر رسانه‌های جمعی و وب سایت‌های فضای مجازی گسترش پیدا کرده است. از این رو در گردآوری نظرات کاربران فضای مجازی نیز نویسنده مقاله به یک رسانه اجتماعی یا وب سایت خاص محدود نمانده و تلاش کرده است در هر گوشه از فضای مجازی که بحثی حول رویداد شکل گرفته، مباحث را گردآوری کند.

جدول ۱: شش رویداد بحث برانگیز رسانه‌های اجتماعی که کنشگری ارزش‌های اخلاقی کاربران ایرانی حول آن شکل گرفته است

ردیف	رویداد بحث برانگیز	تاریخ	رسانه‌های اجتماعی آغازین
۱	حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه اینستاگرام شب‌نم نعمت زاده در پی قاچاق دارو	۱۳۹۸	اینستاگرام
۲	انتشار ویدئویی از آتش زدن دختر آبی در مقابل نیروی انتظامی	۱۳۹۸	اینستاگرام
۳	انعکاس طلاق مهناز افشار از یاسین رامین در صفحه افشار	۱۳۹۸	اینستاگرام
۴	درمان رایگان یک دندانپزشک از کودکی که در پی خشونت نامادری فک و دندان‌هایش شکسته شده بود	۱۳۹۷	اینستاگرام
۵	حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه رامبد جوان در پی به دنیا آمدن کودک وی در کانادا	۱۳۹۸	اینستاگرام

ردیف	رویداد بحث برانگیز	تاریخ	رسانه‌های اجتماعی آغازین
۶	انتشار فعالیت‌های بازسازی مدیر مدرسه ای در یکی از روستاهای کرمان در پی وقوع زلزله و تخریب بخش اعظمی از مدرسه	۱۳۹۷	اینستاگرام و آپارات

در سطح دوم نمونه‌گیری نیز از میان هزاران کامنت مطرح شده از سوی کاربران، تعدادی از آنها با رویکرد کیفی و هدفمند انتخاب شده است. انتخاب نمونه‌ها در هر دو سطح با رعایت قواعد پژوهش کیفی از طریق رفت و برگشت بین گردآوری و تحلیل داده صورت پذیرفته است (لیندولف و تیلور: ۱۳۸۸، ۲۷۲). با کدگذاری و مقوله بندی نظرات کاربران، زمینه برای تحلیل این فضا فراهم شده که نتایج تحلیل را در بخش‌های بعد خواهیم آورد. برای این شش رویداد در مجموع ۲۹۶ کامنت به شیوه کیفی برای تحلیل انتخاب شدند.

#### یافته‌ها

شش رویداد بحث انگیز مطالعه شده عبارتند از: جنجال تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه اینستاگرام به شبنم نعمت زاده در پی قاچاق دارو (۷۲ کامنت)، انتشار ویدئویی از آتش زدن سحر خدا یاری ملقب به دختر آبی در مقابل نیروی انتظامی (۶۳ کامنت)، انعکاس طلاق مهناز افشار از یاسین رامین در صفحه افشار (۴۸ کامنت)، درمان رایگان و داوطلبانه یک دندانپزشک از دختر بچه شکنجه شده توسط نامادری اش (۳۹ کامنت)، حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه رامبد جوان (کارگردان برنامه خندوانه تلویزیون) در پی رفتن وی و همسرش به کانادا و تولد فرزندش (۳۶ کامنت)، انتشار فعالیت‌های مدیر مدرسه یکی از روستاهای کرمان در پی بازسازی بخش اعظمی از مدرسه در پی وقوع زلزله (۳۸ کامنت). در ادامه به ترتیب این شش رویداد معرفی شده و با نقل قول مستقیم تعدادی از نظرات کاربران زمینه برای ارائه تحلیل نهایی در بخش جمع بندی فراهم می‌شود.

## ۱. مورد اول: حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه اینستاگرام شب‌نم نعمت

### زاده در پی قاچاق دارو

در اوایل آبان امسال بود که در پی رسانه‌ای شدن قاچاق دارو توسط شب‌نم نعمت زاده، دختر وزیر پیشین از اخبار تلویزیون در اوایل آبان ۱۳۹۸ تعداد زیادی از کاربران ایرانی در صفحه اینستاگرام به شب‌نم نعمت زاده دختر وزیر پیشین هجوم بردند. دقایقی بعد از رسانه‌ای شدن قاچاق دارو و محاکمه شب‌نم نعمت زاده، کاربران ایرانی به صفحه اینستاگرام هجوم بردند و کامنت‌های فراوانی با مضامین شوخی و طنز و حتی گاهی فحاشی در این صفحه منتشر کردند (خبر ۲۰:۳۰ تلویزیون، ۱۳۹۸). این اولین مورد از حمله گسترده برخی از کاربران ایرانی به صفحه اجتماعی افراد سیاستمدار و مشهور نیست، ولی جدی‌ترین مورد تا این زمان به شمار می‌رود و بازتاب قابل توجهی در رسانه‌های جمعی داشت. پیش از این در جریان استیضاح وزیران، کاربران ایرانی اینستاگرام در صفحه علی نجفی شهردار سابق تهران اقدام مشابهی انجام داده بودند. پس از آن نیز مواردی مشابه حملاتی به مرجان شیخ الاسلامی اختلاس‌گر ساکن در کانادا در بهمن سال ۱۳۹۷ صورت پذیرفته بود. به نظر می‌رسد حمله به صفحات اجتماعی افراد سیاستمدار و اختلاس‌گران که اموال عمومی و بیت‌المال را به غارت می‌برند به یک رویداد تکرار شونده در فضای رسانه‌های اجتماعی تبدیل شده است. هر بار که چنین رویدادی اتفاق می‌افتد، با انعکاس آن در رسانه‌های جمعی، بحث و عمومی درباره این پدیده از موضع اخلاق روی می‌دهد. با در نظر گرفتن حمله به صفحه رسمی شب‌نم نعمت زاده به عنوان مهم‌ترین رویداد از این نوع، هزاران کامنت کاربران درباره آن مرور شد و در نهایت ۷۲ کامنت مرتبط کاربران در فضای مجازی با دقت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. در موضوع قاچاق داروی قلبی که جان میلیون‌ها فرد بی‌گناه را به مخاطره می‌اندازد، منتقدان و تحلیلگران سیاسی و بهداشتی را متوجه این اقدام کردند و گاه تعبیری همچون «خائن به مردم» (صبا، ۱۳۹۸) و «قاتل ساکت» (تابناک، ۱۳۹۸) درباره اقدام برخی کاربران به کار گرفتند و نسبت به آبروریزی و بی‌اعتباری سیاستمداران و وابستگان آنها هشدار دادند. در سویه کاربران نیز کامنت‌ها توافقی زیادی در مورد غیر اخلاقی بودن حمله

به صفحه شبنم نعمت زاده وجود داشت، هر چند که برخی کاربران نظرات متفاوتی را مطرح کردند. از جمله یک کاربر ناشناس نوشت:

- اتفاقاً من فکر می‌کنم رسوا کردن چنین افرادی که به دستگاه قدرت وصل هستند موجب می‌شود تا آگاهی بیشتری به مردم داده شود تا این تصور که ترویج فساد و ظلم برای طبقات پایین جامعه است و ربطی به طبقات بالای جامعه ندارد، از بین برود....

- فرد دیگری می‌گوید ریختن آبروی این افرادی که با جان و سلامتی مردم بازی می‌کنند تا کیسه‌های خود را پرکنن واجب است... تا وقتی که خودشان بر سر قدرت هستند یک جووری بیت المال را می‌چاپند و بعد از خودشان هم فرزندانشان با دین و دنیا و جام و مال مردم بازی می‌کنن...

چنین نظراتی که برخی از آنها با فحش‌های رکیک همراه است در کنار دیدگاه غیر اخلاقی بودن چنین رویدادی در شبکه‌های اجتماعی، نظر رقیب دیگری نیز وجود دارد که برخی کاربران حملاتی را بلا اشکال می‌دانند و شاید تکرار چنین حملاتی به صفحات سایر افراد سیاسی مشهور را بتوان از این زاویه متوجه شد. از زاویه دیگر می‌توان گفت خیلی از رفتارهای غیر اخلاقی پایه مشترکی دارند و فقط موقعیت‌های وقوع آنها تفاوت می‌کند. مثلاً فحش دادن به سیاستمداران و فرزندان آنها در مواقعی که دست به تخطی و نقض قانون می‌زنند درست مشابه نوعی خشم فروخورده است که فضای گفتمانی رسانه‌های مجازی فرصت بروز به آن می‌دهند. تخلیه خشم صدهای فروخورده همین نوشته‌ها و رفتارهایی است که در صفحات شبکه‌های مجازی رخ می‌دهد.

برخی کاربران فرضیه‌هایی درباره ماهیت حمله کنندگان مطرح کرده اند. از جمله یکی از کاربران اکثر حمله کنندگان را اقلشار متوسط و افراد آسیب پذیر به لحاظ جسمانی و سلامتی دانسته اند که محصول زندگی سخت و بیماری‌ها ن صعب العلاج هستند:

- ..... این هم از فرزندان مسئولان مملکتی که به جای اینکه به فکر آسایش و سلامتی مردم شان باشند به فکر پر نمودن کیسه‌های شان هستند. باید به این مسئولان به

خاطر تربیت و داشتن چنین فرزندان تبریگ گفت که خون ملت را به شیشه می‌گیرند.

کاربر دیگری به نام «محمد» فرضیه توطئه آمیز بودن این رویداد از طرف سازمان‌های معاند برای سرنگون کردن و چپاول مردم مطرح می‌کند. کاربران دیگر برای طرح دیدگاه‌هایشان از مطالب اعتراضی متفاوتی استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه یک کاربر ناشناس به برداشتی که خودش از تاریخ دارد متوسل می‌شود و اینچنین می‌نویسد:

- به صلابه کشیدن مردم و منافع خود را به منافع مردم ترجیح دادن به دوره‌های قاجاریه برمی‌گردد. اینکه حکام برای رسیدن به غنائم بیشتر منافع و ترجیحات خود را به منافع عمومی برتری می‌دادند و همیشه مردم وسیله ای بودن که پایه‌های حکومت و پادشاهی آنها قوی تر شود. صد لعنت به این مزدوران رانت خوار که اصلا برایشان مهم نیست چه بلایی به سر مردم می‌آید.

این چنین طرح نظرهایی فراتر از موافق یا مخالف بودن در این تقابل است و نوعی ورود به بحث از منظر تحلیل گر، منتقد و متخصص دانای کل محسوب می‌شود. نمونه دیگر کاربری به نام «فرهاد» است که اینگونه به بحث وارد می‌شود که ریشه بحث را انسانیت و فرهنگ تکنولوژی می‌داند:

- به نظر من افرادی از این دست که از رانت و پایگاه اشراف زادگی خود در جهت هر امر خدای استفاده می‌کنند و زمانی هم که خلاف شان برملا می‌شود سعی در توجیح و لاپوشانی آن دارند هیچ چیزی برایشان جز خود و سود و منافع شخصی برایشان مهم نیست. اینها از انسانیت بویی نبرده اند و صرفا به دلیل آقا زادگی و وصل بودن به قدرت دست به هر کاری می‌زنند.

- اینکه در تلویزیون این افراد را با چهره‌ای محو و از دور نشان می‌دهند در واقع برای فریب مردم است. می‌خواهند بگویند ببینید ما قاجاق چیان را از هر دسته و طبقه‌ای که باشند را دستگیر و معرفی می‌کنیم. ولی این ظاهر قضیه است اگر یکی از این افراد را در ملاء عام قصاص کنند، دل مردم خنک می‌شود...

- کاربر دیگر می‌گوید اینکه هر فحش و ناسزایی را به مقامات و فرزندانشان بدهیم که درست نیست، راه حل را باید در چیز دیگری جستجو کرد..... استفاده درست از شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام هنوز در بین مردم جا نیفتاده ....
- اما کاربر بی نام دیگر تحلیل متفاوتی از این رویداد دارد و به ماهیت جانی این پدیده اشاره می‌کند. از زاویه این نگاه چنین رفتارهایی در دنیای جهانی شدن ارتباطی امروز مختص ایرانیان نیست و پدیده جهانی نیست:
- این نوع حملات به صفحه افراد مشهور و مهم و سیاسی بدون آنکه علت کاری را که انجام داده اند را بدانیم در همه جای دنیا سابقه دارد. یک تعداد معدود هستن که دست به اینکار می‌زنن صرفا برای جلب توجه و ایجاد تنش و جریان خبری و شوکه کردن دیگران. کسی واقعا به هیچ وجه نمی‌تونه بگه اینها نماینده مردم یا حتی کاربران اینستاگرام هستن.
- تعدادی از کاربران درخواست ورود در خواست قصاص و ورود مراجع قضایی برای برخورد با چنین مواردی که با جان و مال مردم بازی می‌کند را داشته اند، حال می‌خواهد قاچاقچیان افراد عادی باشند یا از وابستگان سران مملکتی باشند، از جمله «رامین» می‌نویسد «مراجع قضایی باید آنهايي را که از داخل این عمل را انجام می‌دهند را پیدا کنند و به خاطر چنین جرمی به مراجع قضایی معرفی و به اشد مجازات برسانند. و در مقابل کاربری به نام «عادل» می‌نویسد: این خانم به دلیل اینکه پدرش زمانی وزیر بوده است فکر می‌کند کسی نمی‌تواند به او انتقاد کند و از دماغ فیل افتاده است، اتفاقا امثال چنین خائنینی از فرزندان مسئولان مملکتی هستند.... باید اینها را در مقابل چشمان مردم مجازات کرد. مجید دیگر کاربر در خصوص این موضوع چاره کار را فرهنگ سازی می‌داند و می‌گوید: «به نظر من شفاف سازی در خصوص چنین قاچاق‌هایی که با جان مردم بازی می‌کنند و پول بیت المال را به یغما می‌برند باید از رسانه‌ها به خصوص تلویزیون و مطبوعات شروع شود». اما در این میان برخی از کاربران به ظرفیت شبکه‌های مجازی برای بیان انتقاد و بازگو کردن خشم فرو خورده اشاره می‌کنند. از جمله کاربر ناشناس می‌نویسد:
- دوستانی که نظرات توهین آمیز در صفحات رو دیدن لطفا ریپورت کنید یا خود صفحه اهانت کننده رو ریپورت کنید تا حساب کار دستش بیاد.../اینکه شبنم نعمت

زاده خاطی است شکی نیست ولی فحش و اهانت به شخصیت او دردی را درمان نمی‌کند. این چیزی است که این روزها در زیر پوست جامعه فراگیر شده .....  
- کاربر دیگری به نام «کامران» می‌نویسد مرفه‌های بی درد به دنبال این هستند که با اعتبار و جان مردم پله‌های ترقی را بالا بروند... گور پدر مردم که با این داروهای قاچاق می‌میرند یا پول ملت می‌رود به جیب یه عده مفت خور مثل دختر نعمت زاده....

**۲. مورد دوم: انتشار ویدئویی از آتش زدن دختر آبی در مقابل نیروی انتظامی**  
ویدئو مربوط به دختری است که طرفدار تیم مور علاقه خود استقلال است و می‌خواهد برای تشویق تیم مورد علاقه خود به ورزشگاه آزادی در مهر ماه ۱۳۹۸ برود ولی از ورود او به خاطر دختر بودن به ورزشگاه آزادی ممانعت به عمل می‌آید. حواشی آتش زدن خود با بنزین در مقابل نیروی انتظامی یکی از رویدادهای اجتماعی روزهای اخیر جامعه ایران بود. دختر آبی، دختری ۲۲ ساله است که در پی اعتراض به قانون منع ورود بانوان به ورزشگاه آزادی دست به خودسوزی می‌زند. گویی می‌خواهد با کشتن و خودسوزی خود از بی عدالتی و تبعیض جنسیتی در جامعه ایران انتقام بگیرد.

پس از خودسوزی سحر خدایاری (دختر آبی) دختری که پس از بازداشت و دادگاهی شدن به اتهام تلاش برای ورود به ورزشگاه، خودسوزی اعتراضی کرده بود، در برخی از رسانه‌های اجتماعی از جمله یوتیوب و اینستاگرام ویدئویی از لحظات بنزین ریختن و آتش زدن دختر در مقابل نیروی انتظامی منتشر شد که با واکنش‌های تند و سریعی همراه شد. پس از آن موجی در رسانه‌ها به راه افتاد با این شعار که این ویدئو «جعلی و ساختگی است و آن را نبینید» (آمد نیوز، ۱۳۹۸).

در تقابل‌های اخلاقی بس‌ترهای متفاوتی برای طرح گفت و گو بین کاربران به وجود آمد. در این مورد علاوه بر اخلاق عمومی، مباحث از زاویه اخلاق رسانه‌ای مدنظر قرار داشت. تعداد قابل توجهی از کاربران با

انتشار این ویدئو نوعی «اعتراض» به مرگ دختر جوان را برای مقابله با تبعیض جنسیتی پدید آوردند و گروه دیگری از کاربران به دلیل ناراحت کننده بودن این ویدئو نوعی «خودکنترلی» برای ندیدن این ویدئو را به سایر کاربران توصیه کردند. از آنجایی که نوعی بی اخلاقی در انتشار صحنه‌های روح خراش مرگ دختر جوان در شبکه‌های مجازی رخ داده است، بحث‌های حول این رویداد نیز با تعصب هواداران دختر آبی دنبال شده و گاه فراتر از بحث‌های عادی بود. برای مثال «نسیم» می‌گوید:

- سلام دوستان. خدا نبخشه اونی که این فیلم رو پخش کرد. من خودم فیلم رو نگاه نکردم. از شما هموطنان خواهش می‌کنم از باز نشر این ویدئوی دلخراش خودداری کنید.

کاربر دیگری به نام «الهام» می‌نویسد:

- اون کسی که این فیلم را در اون لحظه دلخراش خودسوزی گرفته به جای اینکه به سمت دختر جوان که از شدت عصبانیت دست به چنین کاری زده، برود و او را از خودسوزی پشیمان کند. ایستاده و از این لحظه‌های دلخراش فیلم گرفته است.... متأسفم برای این افراد که بویی از انسانیت نبرده اند.

اشاره این کاربر به تجربه شخصی اش، در نظرات دیگری نیز مشاهده شد. از میان مجموع مطالب پیش برنده تقابل‌ها، این کاربران به تجربه‌های شخصی خود تکیه می‌کنند. «مریم» کاربر دیگری اینگونه نظر خود را مطرح می‌کند:

- ..... این ما هستیم که با ندیدن و حذف چنین ویدئوی دلخراشی می‌تونیم از انتشار و جریحه دار کردن روح دیگران جلوگیری کنیم. البته همه ما دختران معترض به راه ندادن زنان و دختران به ورزشگاه آزادی هستیم ولی اینکه لحظاتی از خودسوزی دلخراش جوانی مایه سرگرمی برخی افراد شود و نوعی الگودهی را به دیگر دختران برای ناکامی در رسیدن به خواسته‌هایشان بدهد، خیلی اشتباه است....

تعداد زیادی از کاربران نیز اقدام به «رپورت کردن» این ویدئو به عنوان ویدئویی دارای تصاویر نامناسب و ضد انسانی کردند تا طبق قوانین رسانه‌های مجازی مانند آپارات و اینستاگرام این ویدئو حذف شود. این ویدئو در برخی وب سایت‌ها



حذف شد و حتی جعلی خوانده شد، ولی بنا به خاصیت توزیع ویروسی انتشار در شبکه توسط کاربران دیگری از نو آپلود می‌شد. یکی از طرفداران سحر خدایاری (دختر آبی) که از این اقدام به خشم آمده بود، ویدئویی در مدح و ستایش از این اقدام دخترآبی که با جسارت تمام برای اعتراض به این تبعیض جنسیتی جان خود را فدا کرده است گذاشتند.

تصویر شماره ۱: دو صحنه از ویدئوی دلخراش خودسوزی دختر آبی که هوادارانش با پیام‌های اعتراضی به آن پرداختند.



در این مورد تقریباً بر غیراخلاقی بودن لحظات خودسوزی دختر جوان که در شبکه اینستاگرام و آپارات گذاشته شده بود اجماع نظر وجود داشت. و اینکه دیدن این صحنه‌ها موجب آزار روحی کاربران می‌شود و حتی می‌تواند برای برخی دیگر از کاربران جوان که خواهان هیجان هستند به عنوان الگو قرار بگیرد. در ادامه سؤالات و بحث‌ها معطوف به این بود که فیلم را چه کسی گرفته و چه کسی منتشر کرده است؟ حتی برخی این فیلم را جعلی خواندند و آن را ساختگی پنداشتند. انگشت اتهام کاربران به مأموران نیروی انتظامی که از داخل نظاره گر این رویداد بودند تا عابران و رهگذرانی که از آنجا عبور می‌کرده اند می‌رفت. کاربران دیگری نیز ریشه رویداد را در عوامل فرهنگی - اجتماعی جست و جو می‌کردند. برای مثال کاربر ناشناسی که خود را تحلیل گر و متخصص در ارائه راهکار برای صدا و سیما معرفی می‌کند و می‌نویسد: فرهنگ اعتراض و رسیدن به حق شهروندی را کی باید یادیده؟ صدا و سیما به جای پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و داستان‌ها و سریال‌ها باید فرهنگ اعتراض و

گرفتن حق را به مخاطبان یاد بده. باید هر روز به نیازمندی‌ها و مسائلی که جامعه با اون مواجه هست بپردازد...

کاربر دیگری از در نصیحت وارد ماجرا می‌شود به عنوان مثال «بهاره» می‌نویسد:  
- ای کاش تو لحظه‌های آخری که تصمیم به خودسوزی گرفتی کسی بود و به تو می‌گفت این راه اعتراض نیست. آخه با نابود کردن خودت چه طوری می‌تونی به حقوق انسانی ات برسی...

### ۳. مورد سوم: انعکاس طلاق مهناز افشار از یاسین رامین در صفحه شخصی افشار

در اوایل پاییز امسال ۱۳۹۸ مهناز افشار بازیگر مشهور سینمای ایران عکس و توضیحاتی را در صفحه شخصی اینستاگرام خود منتشر کرد که مبنی بر جدایی او از همسرش یاسین رامین بود. البته این پیج با داشتن زمینه‌های قبلی از بازداشت همسر مهناز افشار مبنی بر وارد کردن شیر خشک‌های ناسالم به سرعت منتشر و جنجالی شد. مهناز افشار در صفحه اینستاگرام خود با گذاشتن یک عکس به همراه دخترش نوشت: «هر آدمی ضعیف یا قوی یک وجودی داره. ولی وقتی تصمیم می‌گیری یک مادر مجرد باشی باید دو تا وجود داشته باشی و اونارو برای خودت و فرزندت قوی تر هم بکنی» (تابناک، مهر ۱۳۹۸).



مهناز افشار که خرداد سال ۱۳۹۴ با یاسین رامین فرزند ارشد وزیر فرهنگ و ارشاد در دولت پیشین ازدواج کرده بود و از او صاحب یک فرزند دختر می‌باشد در

مهر ماه امسال طی خبرهای جنجالی از همسرش .... جدایی اش از وی را علنی کرد و موجب واکنش بسیاری از کاربران فضای مجازی به این اقدام وی بود. پیامد این انتشار گسترده، شکل گیری بحث درباره ماهیت اقدام مهناز افشار بود و برخی اقدام او را غیراخلاقی دانستند زیرا زندگی خصوصی هر کسی به خود او مربوط است و نیاز به جار زدن ندارد. در مقابل مهناز افشار نیز مدافعانی همچون «هیوا» نیز داشت:

- زندگی کردن با فرزند یک فرد سیاسی به طور قطع تبعاتی نیز دارد. مهناز افشار در خانواده سیاسی همسرش جایی نداشت و وجه هنری او در این خانواده سیاسی که وصل به دولت پیشین بود خدشه دار می‌شد. این زندگی که با سیاست گره خوره بود بالاخره باید به جایی تمام می‌شد....

برخی کاربران نیز این اقدام مهناز افشار را در فضای متفاوتی ارزیابی کردند. مثلاً یکی از کاربران مدافع حقوق زنان با نام مستعار «بتی» نوشته است:

- زندگی کردن با کسی که با شهرت و اعتبار پدرش داره کار غیر انسانی یعنی وارد کردن شیرخشک فاسد می‌کنه واقعا سخته... بهت افتخار می‌کنم که تونستی خودت رو از این خانواده سیاسی و بادی به هر جهت نجات دهی.

در این مورد نیز ذخایر و مطالب پیش برنده زیادی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله کاربر دیگری با نام «یگانه» نیز از زاویه مذهبی این اقدام را ارزیابی می‌کند:

- ..... علنی کردن طلاق و به اطلاع همگان رساندن در فضای مجازی چیزی را اثبات نمی‌کنه جز اینکه شما حریم خصوصی تون را در معرض عموم قرا می‌دهید که خیلی شایسته شما بانوی هنرمند نیست...

#### ۴. مورد چهارم: درمان رایگان دندانپزشک از کودکی که در پی خشونت

##### نامادری فک و دندان‌هایش شکسته شده بود

در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ اقدام انسان دوستانه و اخلاقی یک دندانپزشک جوان به نام دکتر ملکی برای مداوای فک و دندان‌های دختر بچه هشت ساله‌ای که در پی نابسامانی خانوادگی و خشونت نامادری مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود و دچار شکستگی فک و خرد شدن دندان‌هایش شده بود به بهزیستی شهرستان میانه معرفی شده و در پی انتشار این خبر که حاکی از مجروح شدن دختر بچه و بالا بودن هزینه

درمان فک و دندان‌هایش مطر شده بود. دندانپزشک جوان ۲۸ ساله‌ای با اعلام حمایت و درمان رایگان فک و دندان‌های دختر بچه موجب کامنت‌های زیادی از سوی کاربران فضای مجازی اینستاگرام شد. این خبر اولین بار در فضای مجازی منتشر شد و در پی آن از دندانپزشک جوان در یکی از برنامه‌های صبحگاهی تلویزیونی دعوت به عمل آمد و بعد از آن کاربران زیادی تقابل‌های اخلاقی در مذمت کودک‌آزاری نامادری و ستایش اقدام خیرخواهانه دکتر جوان برآمدند.

عکس‌های دختر بچه با صورتی مجروح موجب بحث کاربران در صفحات مجازی و باز انتشار عکس‌های دختر بچه در محیط اجتماعی مجازی جنجالی شد.

به نوشته یک رسانه «کاربران حدود ۱۸ هزار نظر نوشتند؛ نظرهایی که فقط نظر شخصی نیست و تعداد زیادی از آنها مربوط به درگیری‌های لفظی کاربران است. عده‌ای از این اقدام فجیع نامادری در پی کتک زدن و شکستن فک و دندان‌های دختر بچه بسیار ناراحت بودند و گروهی نیز عده‌ای نیز کودک‌آزاری نامادری را ناشی از بیمار بودن روان او دانسته و به گونه‌ای او را تبرئه می‌کردند. بدین ترتیب بحثی بین کاربران مجازی درگرفت که در بستر اخلاق عمومی و اخلاق رسانه‌ای روی می‌دهد. بحث‌های عمومی کاربران با مباحث اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی ذر هم آمیخته بود و حول مسئله کودک‌آزاری از یک سو و انسان دوستی از سوی دیگر جلو می‌رفت. در حوزه اخلاق رسانه نیز بحث اصلی بر سر انتشار عکس‌های مجروح دختر بچه در سطح گسترده مطرح شد که زیر عنوان حریم خصوصی از گذشته نیز مطرح است. عده‌ای از غیر اخلاقی بودن اقدام نامادری و انتشار عکس‌های دختر بچه سخن گفتن و این کار را جریحه دار کردن احساسات عموم مردم خواندند، اما برخی دیگر از کاربران به ستایش این کار انسان دوستانه و اخلاقی و انسانی دندانپزشک جوان پرداختند. به عنوان نمونه کاربری با عنوان «مهین» می‌نویسد:

- وقتی این اقدام ارزنده دکتر جوان را در پی مداوای فک و دندان دختر بچه در شبکه اینستاگرام دیدم از یک سو خوشحال شدم که هنوز هم انسانیت و نوع دوستی در این سرزمین وجود دارد ولی از سوی دیگر از گذاشتن عکس کودک با صورتی مجروح ناراحت شدم....

کاربر دیگری با نام «دنیا» باز نشر این اقدام خیرخواهانه دکتر جوان را واجب می‌داند و می‌گوید تا آنجا که لازم باشد این کار خیرخواهانه دکتر در پی مداوای رایگان دختر بچه را انتشار می‌دهم تا بلکه سرمشقی برای سایر پزشکان باشد که بدون هزینه‌های سنگین اقدام به مداوای بیماران بی بضاعت نمی‌کنن ....

- برایم خیلی جالب بود که پزشکی چنین جوان و در بدو کار که در یک منطقه محروم کار می‌کند پشت پا به مادیات می‌زند و با مداوای رایگان فک و دندان دختر بچه به او مهربانی و عزت نفس هدیه می‌دهد.....

- هنوز انسانیت نمرده ... و هنوز هم هستند که پا روی دلشون می‌گذارند و دل دیگران رو شاد می‌کنن...

- اگر چه دنیا آدم‌های بد زیاد داره که حتی به کودکان معصوم هم رحم نمی‌کنند ولی وجود فرشتگانی چون این پزشک جوان که با دیدن این خبر در شبکه‌های اجتماعی پیش قدم در درمان این کودک می‌شود شایسته تقدیر از تلویزیون است .... همه باید بفهمند که دوستی و انسانیت نمرده است...

کاربر دیگری در پی این اقدام دکتر جوان می‌نویسد:

- این اقدام این دکتر جوان علاوه بر اینکه انسان دوستی او را همگانی کرد موجب شهرت و معروفیت او شد زیرا او بدون توجه به هزینه‌های درمان و صرفاً به خاطر کمک به دختر بچه بی نوا دست به این اقدام زده، پس خدا هم مهر او را به دل بندگانش می‌اندازد.....

از این دست کامنت‌ها که در مذمت و نکوهش نامادری برای شکنجه کودک و ستایش دکتر جوان برای درمان رایگان او بسیار در صفحه اینستاگرام دکتر جوان دیده می‌شود. کاربری به نام «هستی» به چنین نظراتی واکنش نشان می‌دهد و در مقام یک تحلیل گر اجتماعی ظاهر شده و از موضع دانای کل خود فراتر رفته و موضع گیری در دو قطب موافق- مخالف را تعریف کرده و می‌نویسد:

- .... این همه ناسزا که در صفحات این دختر بچه نثار نامادری اش کردند، جدا از اینکه کار بی‌پوده‌ای است و اوج خشونت کلامی را می‌رساند. مسئله مهمی است، اینکه جامعه ما چقدر متخصص در قضاوت مشکلات خانوادگی هستند. اینکه ما ندانیم علت اینکه این نامادری دست به این اقدام شنیع نموده است، نمی‌توانیم به

این راحتی قضاوتش کنیم. باید مسائل و مشکلات خانوادگی به صورت عمیق بررسی و درمان شود با فحش و ناسزا کاری درست نمی‌شود....

کاربران دیگری همچون «سعید» نیز با پیش کشیدن خشونت علیه کودکان امری مذموم و نکوهیده است اقدام به دفاع عمومی از اقدام کاربران می‌کنند تا تفکیک سطوح اخلاق عمومی و اخلاق رسانه‌ای در این رویداد دشوارتر شود:

- کودکان و حیوانات به دلیل ناتوانی و بی دفاع بودن ممکن است مورد تعرض و خشونت قرار بگیرند. خشونت علیه کودکان عامل این فحاشی‌هاست. باید ارگان اجتماعی وجود داشته باشد که بتواند از کودکانی که در خانواده‌های نابسامان و کودکان طلاق ورود پیدا کنند و از کودکان در پی خشونت خانوادگی حفاظت نمایند. متأسفانه دستگاه‌های اجرایی به چنین آسیب‌های اجتماعی بی توجهی می‌کنند و خانواده‌ها فکر می‌کنند چون کودک را آنها به دنیا آورده اند و والدین کودک می‌باشند می‌توانند هر کاری در پی تنبیه با کودکانشان انجام دهند....

یکی دیگر از ذخائر پیش برنده، مرتبط کردن با رویدادهای مشابه است که محور بحث تعداد دیگری از کاربران از جمله «معصومه» بوده و این رویداد را شبیه انسان کشی دانسته است. این کاربر «سایر رویدادهای رسانه‌های اجتماعی» را به عنوان پیش برنده بحث در این تقابل دو اقدام اخلاقی به کار گرفته است:

- .... دوستان در پی هر سیاهی یک سفیدی هم هست.... اگر اون نامادری بنا به هر دلیلی که اصلاً قابل توجیح نیست دست به شکنجه فرزند خوانده اش نموده است.... دکتري وجود دارد که درد و رنج کودک شکنجه شده را تسکین می‌دهد و با مهربانی زیبایی و عزت نفس را به او هدیه می‌دهد.

- کاربر دیگری به نام «سیمما» می‌نویسد: دکتر جان واقعا از شما باید کیسه کیسه باشند.... پزشکانی که چشم به روی مال دنیا ببندند و فقط به خاطر التیام یک کودک رنج کشیده، پیش قدم شده و رایگان او را درمان کنند هم زیبایی ظاهری را به او هدیه می‌دهند و هم روح رنج کشیده اش را تسکین می‌دهند....

۵. مورد پنجم: حمله تعدادی از کاربران ایرانی به صفحه رامبد جوان در پی به دنیا آمدن کودک وی در کانادا

یک وب سایت خبری در تیرماه ۱۳۹۸ گزارش می‌دهد «رامبد جوان کارگردان برنامه تلویزیونی خندوانه برای صحنه برداری از فیلمی که در حال ساختن آن هست به همراه همسرش به کانادا سفر کرده است. در پی انتشار این خبر موجی از واکنش‌های کاربران را در صفحه اینستاگرامی رامبد جوان در پی داشت. عده‌ای از کاربران انگ ضد اخلاقی به سفر رامبد جوان زدند و عنوان کردند علت سفر او و همسرش به کشور کانادا به دنیا آمدن فرزندشان در این کشور و گرفتن تابعیت یک کشور اروپایی برای فرزندش می‌باشد. سپس عکسی از رامبد جوان و همسرش نگار جواهریان در حال خرید کردن در یکی از شهرهای کانادا منتشر شد. این گزارش و تصویر مرتبط با آن به سرعت در وب سایت‌های دیگر و برخی رسانه‌های اجتماعی بازنشر داده شد و بحثی جدی در مورد جنبه‌های غیر اخلاقی انتشار عکس همسر باردار رامبد جوان بدون پوشش و حجاب شکل گرفت.

بحث درباره این رویداد در سه بستر اخلاق عمومی، اخلاق رسانه‌های اجتماعی و اخلاق فردی شکل گرفت. بسیاری از کاربران از این اقدام رامبد جوان عصبانیت بودند و نظراتی با مضمون غیر اخلاقی بودن این اقدام منتشر کردند. اینکه کسی که در برنامه خندوانه دم از میهن پرستی و ایران دوستی می‌زند ولی موقع تولد فرزند خویش به کشور کانادا می‌رود که فرزندش شهروند یک کشور درجه یک شود. در این راستا حتی هنرمندان نیز لب به اعتراض گشودند. درمقابل کاربران دیگری که به نظر می‌رسید از ذخائر پیش برنده استفاده می‌کنند؛ مثلاً هنرمندان یا افرادی هستند که برای فرزندانشان تابعیت کشور دیگری را گرفته اند به دفاع از رامبد جوان پرداختند و اتهام غیر اخلاقی بودن آن را رد کردند. به نظر می‌رسد آنها به تجربه شخصی خود به عنوان عامل پیش برنده بحث تکیه دارند. نمونه‌ای از کامنت‌ها که توسط یک کاربر ناشناس نوشته و منتشر شده است :

- ..... زندگی خصوصی و حرفه‌ای افراد و هنرمندان جدا از یکدیگر است. ممکن است فردی به اقتضای شغلی که دارد، برنامه‌ای بسازد که وطن خواهی و میهن پرستی باشد ولی بخواهد برای تأمین آینده فرزند خویش برای او تابعیت یک کشور اروپایی

را بگیرد... به نظر من اینکه زندگی شخصی و اجتماعی را با یکدیگر قاطی می‌کنند امری ناصواب است...

در رد کردن این کامنت کاربر دیگری می‌گوید:

- شعار دادن کار اصلی ما ایرانی‌ها شده آخه یکی نیست به این رامبد جوان بگه تو که دم از خوشحال بودن و حال خوب و خندیدن به شرایط زندگی در مواقع سختی را توصیه می‌کنی ... پس چرا برای اینکه فرزندت آینده بهتری داشته باشه موقع تولدش به کشور کانادا می‌روی، تازه اون هم به بهانه ساختن فیلم ... مردم رو چی فرض کردی...

برخی کاربران نیز به عنوان راوی اعظم نگاهی انتقادی به صدا و سیما دارند و می‌گویند چرا با آوردن هنرمندانی چون رامبد جوان و الگو قرار دادن آنها باعث می‌شوند تا اعتماد مردم به حرف‌هایی که در برنامه می‌زنند جلب شود ولی در عمل این سلبریتی‌های مشهور به طریقی ضد آنچه که خود می‌گویند عمل می‌کنند. در این زمینه کاربری به نام «مونا» می‌نویسد:

- واقعا این رامبد جوان شورش رو درآورده فقط و فقط میاد شعار میده .... البته مرگ خوبه ولی برای همسایه ... تو برنامه خندوانه شعار میدی ما باید دست به دست هم بدهیم و کشورمون رو بسازیم بعد ایران را درحدمی نمی‌بینی که فرزندت بخواهد تابعیت ایرانی بگیره... خیلی خنده داره... شعار دادن به هنرمندان ما نیز سرایت کرده...

- دلیل نمی‌شود چون طرف برنامه ساز یه برنامه تلویزیونی بوده بخواد زندگی شخصی خودش رو محدود کنه و جایی که دوست داره زندگی نکنه یا فرزندش رو به دنیا نیاره....

کاربران دیگری نیز به پاسخ‌گویی به چنین دفاع‌هایی پرداختند تا بحثی طولانی و دامنه دار ایجاد شده و یکی از مواردی شکل بگیرد که اجماعی بودن یا نبودن آن وجود نداشته باشد:

- .... عزیزان کسی که برنامه ساز و مجری یک برنامه پربیننده و شاد هست... و ادعا داره حرفی که می‌زنه به اون اعتقاد داره و بهش عمل می‌کنه و سعی می‌کنه در برنامه‌هاش روحیه امیدواری و وطن پرستی را به مردم تزریق کنه و اینکه هیچ جای



دنیا ایران همیشه ولی وقتی به عمل می‌رسد و پای منافع شخصی و خانوادگی اش به میان می‌آید ضد حرف‌هاش عمل می‌کند دیگه اعتباری برای اون نمی‌مونه....

- رامبد واقعا برات متأسفیم که اینقدر وطن فروش و خودباخته‌ای و فرزند خودت رو تافته جدا بافته از فرزندان کشورت می‌دانی و....

مهمترین بحث در این رویداد حول محور «حریم خصوصی» شکل گرفت و اختلاف نظر کاربران بر این بود که آیا حریم خصوصی هنرمندان از طریق انتشار عکس‌شان که به صورت مخفیانه در خارج از کشور گرفته می‌شود و از طریق اینستاگرام منتشر می‌شود می‌تواند اعتبار عمومی فرد را در انظار مردمی خدشه دار کند. برخی از کاربران که عقیده بر شکسته شدن حریم خصوصی داشتند خواستار مقابله با خاطیان شدند. به عنوان مثال «لیلا» نوشته است:

- اینکه افراد به خود اجازه می‌دهند با دوربین تلفن همراه خود هر لحظه که فردی را در هر جای دنیا و با هر پوششی که دارد از او عکس و فیلم بگیرند و موجب آبروریزی و یا افشای زندگی شخص اش بشوند عمل نادرستی است....

برخی از کاربران نیز برای پیشبرد بحث‌هایشان درباره حفظ حریم خصوصی افراد و اخلاق رسانه‌ای حول محور حریم خصوصی به تجربه‌های شخصی‌شان در موارد مشابه اشاره کردند:

- در یک اردوی تفریحی با دوستانم عکس گرفتم و اصلا فکر نمی‌کردم فردای آن روز عکس‌ها بدون اجازه از من در صفحه اینستاگرام‌شان منتشر شود....

- عکس‌های عروسی ام توسط فردی که از مراسم عروسی مان فیلمبرداری کرده بود و با شوهرم غرض شخصی داشت در اینستاگرام پخش شد....

نمونه‌هایی از عدم رعایت حریم خصوصی افراد در فضای مجازی در پخش ویدئوهای بدون حجاب آزاده نامداری در کشور سوئیس و ستاره اسکندری در کشور ترکیه وجود دارد که توسط افراد بی اخلاق در موقعی که فرد اصلا متوجه نیست از او فیلم و عکس گرفته می‌شود و در صفحات فضای مجازی منتشر می‌شود. این عمل غیر اخلاقی می‌تواند آینده زندگی شخصی فرد یا حرفه او و به طور کلی زندگی روزمره فرد مورد نظر را به مخاطره بیندازد.

## ۶. مورد ششم: انتشار فعالیت‌های بازسازی مدیر مدرسه ای در یکی از روستاهای کرمان در پی وقوع زلزله و تخریب بخشی از مدرسه

در پی انتشار خبری در مورد مدیر مدرسه‌ای در یکی از شهرستان‌های دورافتاده کرمان که در تعطیلات تابستان خود و سایر معلمان کادر مدرسه اش به عنوان کارگر و نیروی کار دست به مرمت و بازسازی مدرسه کردند و به جای اینکه بخش اعظمی از بودجه بازسازی مدرسه را به نیروهای کارگر بدهند خود به عنوان نیروی کاری به بنایی و بازسازی مدرسه پرداختند تا با شروع سال تحصیلی نوجوانان بتوانند به راحتی و بدون دغدغه به تحصیل خود بپردازند (مرداد ۱۳۹۷). با انتشار این خبر در صفحه اینستاگرام یکی از کاربران و انتشار وسیع آن، در بخش خبری ۲۰:۳۰ تلویزیون یک گزارش خبری از این اقدام اخلاقی و انسان دوستانه مدیر مدرسه پخش شد. این گزارش خبری به واکنش‌های کاربران در فضای مجازی بعد وسیعی داد و تقابل‌های اخلاقی در تأیید یا رد کردن این عمل مدیر مدرسه توسط کاربران صورت گرفت. به عنوان نمونه کاربری با عنوان «مهدی» می‌نویسد:

- کار مدیر مدرسه بسیار باارزش و فداکارانه است ولی این باعث همیشه که مسئولین از وظایف خود شانه خالی کنند. پس بودجه‌های آموزش و پرورش کجا می‌رود که مدیر مدرسه باید از جیب و جان خودش برای بازسازی مدرسه هزینه کند.....
- کاربر ناشناسی کامنت گذاشته: «گاهی اوقات عشق به آموزش و یادگیری باعث میشه معلمان سود شخصی را در نظر نگیرند و فقط با عشق برای تربیت نوجوانان قدم بردارند... جای تقدیر داره به خدا.

در این رویداد برخی منتقدان فرهنگی غیراخلاقی بودن این اتفاق را در قالب پایین آوردن شأن معلم در حد کارگر مورد تحلیل قرار داده اند که از جمله آنها یادداشتی با عنوان «شخصیت معلمان را در حد یک کارگر تنزل می‌دهند» ولی ادعای نویسنده با مخالفت جدی برخی کاربران فضای مجازی مواجه شد و بحثی جدی شکل گرفت که آیا به راستی امری غیر اخلاقی صورت گرفته است؟

در میان کاربران نخست بحثی در حوزه اخلاق رسانه‌های جمعی و تلویزیون شکل گرفت و درباره اخلاقی یا غیراخلاقی بودن پخش گزارش خبری در مورد کار کردن

مدیر و معلمان یک مدرسه در یک منطقه محروم برای استفاده دانش آموزان در اول مهر صورت گرفت.

بسیاری از کاربران این اقدام انسان دوستانه مدیر و معلمان مدرسه را انتشار نوعی اخلاق گرایی در دنیای مدرن امروزه دانسته اند که هر کسی به دنبال منفعت بیشمار است و هیچ کس نمی‌خواهد به خاطر آسایش دیگری از رفاه خود بگذرد ولی در چنین فضایی اقدام انسان دوستانه مدیر و معلمان مدرسه بهجت در یکی از روستاهای کرمان موجب می‌شود موج مثبتی از نظرات کاربران در مورد این اقدام و انتشار سریع آن در فضای مجازی اینستاگرام صورت بگیرد. کاربری به نام «مجید» می‌نویسد:

- به نظر من انتشار فیلم از کارکردن مدیر و معلمان «مدرسه بهجت» در اینستاگرام موجب توجه اخبار تلویزیونی به این امر اخلاقی شد....

- کاربر دیگری به نام «فاطمه» می‌نویسد: واقعا معلمی شغل انبیاست و اگر معلمی برای آموزش دانش آموزان خود دست به کارگری بزند نه تنها شخصیت او را پایین نمی‌آورد بلکه به او وجه بیشتری هم می‌دهد.. من فکر نمی‌کنم معلمان این مدرسه به کمک به ساخت مدرسه برای مهر ماه کوچک و حقیر شده باشند....

- پس این بودجه آموزش و پرورش کجا می‌رود که معلمان با این حقوق‌های بخور و نمیری باید به ساخت مدرسه هم بپردازند... کمی مسئولان تأمل کنن....

از این دست کامنت‌هایی در مورد یک رویداد اجتماعی که ابتدا در فضای مجازی جرقه اش زده می‌شود و به دنبال آن رسانه‌های اصلی چون تلویزیون به ارائه گزارش مفصلی از آن می‌پردازند زیاد است.

کاربر دیگری به نام «مسعود» اخلاقی و آموزنده بودن این امر را در فضای مجازی تأیید می‌کند و معتقد است این رویداد مهم نه تنها موجب پایین آمدن شأن معلمان نمی‌شود بلکه نوعی الگودهی به سایر اقشار جامعه و نوعی آموزش به دانش آموزان است که معلمان اینستاگرام به طور عملی به آنها می‌آموزند. او بحث اخلاق و برساخت یک امر اجتماعی را از طریق اخلاق بیان می‌کند و می‌نویسد:

- نه تنها انتشار ویدئو از معلمان اینستاگرام موجب تنزل شخصیت آنها نشد بلکه نوعی مقام آنها را رفیع تر نمود و به دانش آموزان به طور عملی درس ایثار و عشق و فداکاری را آموخت... انتشار این ویدئو در فضای اینستاگرام و انتشار وسیع آن از

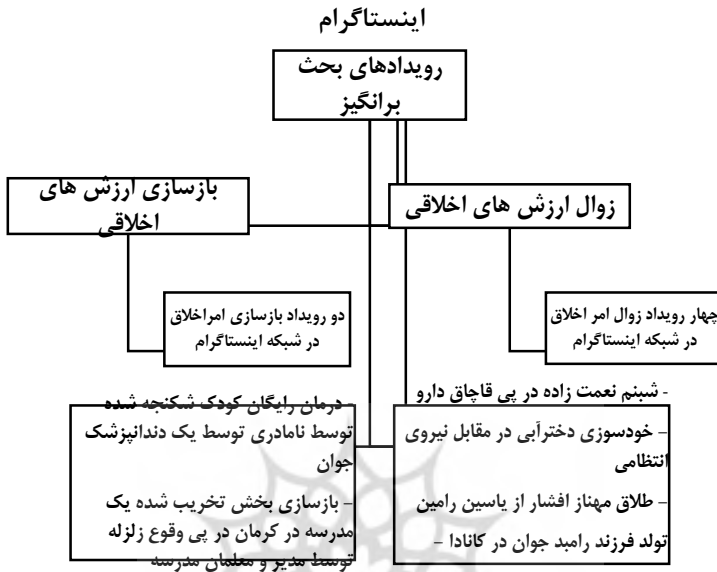
طریق گزارش خبری صدا و سیما موجب همه گیر شدن این اقدام فداکارانه معلمان شد ... در غیر اینصورت در گوشه‌ای از شهر کرمان پنهان می‌ماند. فضای مجازی این فرصت را فراهم نمود تا این عمل اخلاقی و انسانی بازنشر و به اطلاع همگان برسد...

### جمع بندی شش مورد از کنشگری کاربران

فضای مجازی محصول تحولات رخ داده در زمینه فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای به ویژه ظهور و گسترش اینترنت و حال‌های مختلف ارتباطات کامپیوتر واسط است. از این رو می‌توان به همگرایی فزاینده میان اینترنت و فضای مجازی اشاره کرد و به همین رو با توسعه و فراگیر شدن اینترنت و فناوری‌های مرتبط با آن و استفاده فراوان از آنها، فضای مجازی تعیین و تحقق بیشتری می‌یابد. از مؤلفه‌های اساسی حوزه عمومی گفتگو و افکار عمومی و واکنش بدانیم، شبکه‌های اجتماعی به مثابه یک رسانه جدید، بستر مناسبی برای ظهور و تجلی هر یک از آنهاست. افراد می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی به افراد و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات موردعلاقه خود بپردازند و از این طریق افکار عمومی به عنوان صدای مردم شکل بگیرد و هریک می‌توانند در مخالف با یک مسئله و موضوعی اجتماعی و سیاسی دست به کنش بزنند (مهدیزاده: ۱۳۸۳، ۱۲۱).

از میان شش رویداد که طی کنشگری کاربران در زوال و بازسازی ارزش‌های اخلاقی در شبکه اجتماعی اینستاگرام صورت گرفت دو رویداد بر سازنده ارزش اخلاقی ایثار و فداکاری و انسان دوستی و چهار رویداد موجب زوال ارزش‌های اخلاقی همچون دخالت در حریم خصوصی، قضاوت، متهم کردن و تخریب چهره افراد بود.

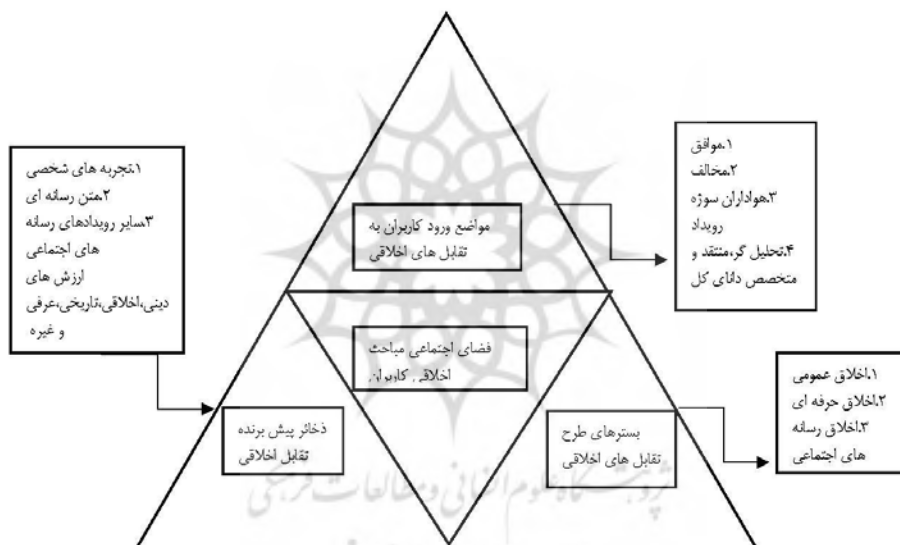
نمودار شماره ۱- تعداد زوال و برساخت شش رویداد جنجال برانگیز در شبکه اجتماعی



تغییرات گسترده در زمینه‌های گوناگون در نتیجه تحولات فناورانه منجر به شکل گیری زیست بوم رسانه‌ای جدیدی در جامعه اطلاعاتی - شبکه‌ای شده است. در این زیست بوم جدید حول مسائل اخلاقی چالش‌ها و تقابل‌های بسیاری بین کاربران فضای مجازی شکل می‌گیرد. در این تقابل‌ها برخی مفاهیم و تعاریف سنتی از جمله در حوزه مسائل اخلاقی به چالش کشیده می‌شوند. این تحولات مجموعه مباحثی را در حوزه علوم اجتماعی و ارتباطات به وجود آورده است. به عنوان مثال مارویک و بوید (۲۰۱۴) از ظهور «حریم خصوصی شبکه‌ای» در فیس‌بوک خبر می‌دهند. این مدل از حریم خصوصی، متفاوت با مفهوم سنتی حریم خصوصی است و نتیجه بازنگری شبکه‌ای آن است. «حریم خصوصی شبکه‌ای» از دل تعاملات شبکه‌ای کاربران اینستاگرام شکل گرفته است. در این مقاله تقابل‌ها و زوال و بازتولید ارزش‌های کاربران در حوزه اخلاق بر مبنای کنش ارتباطی‌ها بر ماس در فضای مجازی مدنظر قرار

گرفته است. بر این اساس با اتخاذ رویکرد اکتشافی در مطالعه‌ای کیفی در مورد شش رویداد جنجالی در رسانه اجتماعی مجازی اینستاگرام انجام شد که حول این شبکه اجتماعی در میان کاربران ایرانی تقابل‌های اخلاقی صورت پذیرفته بود. نتایج در قالب مدلی با عنوان «مثلث کنش‌گری کاربران در تقابل‌های اخلاقی رسانه‌های اجتماعی» در تصویر شماره ۲ عرضه شده است.

تصویر شماره ۲: مثلث کنش‌گری کاربران در تقابل ارزش‌های اخلاقی رسانه اجتماعی مجازی (اینستاگرام)



همانطور که در مدل برآمده از داده‌ها و یافته‌های تحقیق ترسیم شده است فضای مجازی زوال و برساخت اخلاقی کاربران را تحت تأثیر سه عامل اصلی قرار داده است. بستریایی برای طرح تقابل‌های اخلاقی وجود دارد که کاربران با اتخاذ مواضع متفاوتی از ذخائر پیش‌برنده تقابل‌های اخلاقی استفاده کرده و وارد بحث می‌شوند. بستریهای طرح تقابل‌های اخلاقی شامل اخلاق عمومی، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق رسانه‌های اجتماعی هستند. در تمامی شش مورد مطالعه مشاهده شد که مباحث مربوط به

اخلاق شبکه اینستاگرام با مباحث اخلاق عمومی جامعه درهم آمیخته است. همچنین در برخی موارد از جمله ویدئوی دختر آبی و انتشار عکس‌هایی از کودکی که توسط نامادری اش شکنجه شده مباحث کاربران در بستر اخلاق اجتماعی به وقوع پیوست. در موضوعات طلاق مهنناز افشار و حمله به صفحه شخصی رامبد جوان مباحث با بستر اخلاق رسانه‌های جمعی و به طور خاص تلویزیون مرتبط بود.

ذخائر پیش برنده تقابل‌های اخلاقی نیز شامل تجربه‌های شخصی، متن‌های رسانه‌ای، سایر رویدادهای جنجالی رسانه‌های اجتماعی، سنت‌های مذهبی، ارزش‌های دینی، تاریخی و عرفی و اجتماعی و غیره که نمونه‌های فراوانی از آنها در شش رویداد دیده شد. مثلاً در خصوص رویداد انتشار صورت شکنجه شده دختر بچه توسط نامادری و درمان داوطلبانه و رایگان پزشک جوان در خصوص اخلاق پزشکی کاربران از تجربه‌های شان در مواجهه با پزشکان می‌گفتند و برای پیشبرد بحث شان در خصوص اخلاق رسانه‌ای از یک متن رسانه‌ای دیگر یعنی اخبار شبکه سه تلویزیون «۲۰:۳۰» کمک گرفته بودند.

ارجاع به سنت‌های مذهبی، ارزش‌های دینی، تاریخ، عرف‌های اجتماعی و مواردی از این دست نیز فراوان بود. مثلاً در رویداد حمله به صفحه شخصی شبمن نعمت زاده بسیاری از کاربران به ارزش‌های دینی و تاریخی مثل نخوردن مال بیت المال و به خطر انداختن جان مردم که در دین و اخلاق‌های فرهنگی ما نهی شده است استناد می‌کردند یا در ماجرای تولد فرزند رامبد جوان در خارج از کشور ارجاع‌های فراوانی به وطن پرستی، میهن دو ستی و حفظ ارزش‌های ملی و اجتماعی می‌شد و برخی از کاربران که از سلب‌بیریتی‌ها بودن با آوردن مثال‌هایی سعی می‌کردند به طور مستند به بحث ورود کرده و گزاره‌های اخلاقی شان را مبنی بر وطن دوستی را مطرح کنند.

مواضع ورود کاربران به تقابل‌های اخلاقی را نیز می‌توان در چهار دسته خلاصه کرد. از آنجایی که رویدادی بحث برانگیز و جنجالی اخلاق- محور اتفاق افتاده، آن بحث و اتفاق موافقان و مخالفانی دارد که دو دسته از مواضع را مشخص می‌کردند. اما یک گروه قابل توجهی از مشارکت کنندگان، هواداران- ضد هواداران سوژه رویداد جنجالی بودند که مشارکت آنها در مباحث از زاویه عشق و نفرت به سوژه رویداد

جنجالی بود. این شیوه ورود به خصوص در ماجرای حمله به اینستاگرام رامبد جوان، شب‌نم نعمت زاده و کودکی که مورد شکنجه و آزار جسمی نامادری قرار گرفته بود. که البته این گروه از کاربران نه به خاطر دفاع از موضع موافقت و مخالفت با بحث اخلاقی که برای ابراز عشق و نفرت شان در صفحه اینستاگرام حضور پیدا می‌کردند. موضع چهارم ورود کاربران در جایگاه تحلیلگر، منتقد و متخصص دانای کل بود. این نوع کاربران از موضعی بالا به مباحث وارد می‌شدند و با طرح جملات و ادعاهای غیر قابل اثبات، خودشان را فراتر از دو گانه موافق یا مخالف بحث عرضه می‌کردند.

### نتیجه گیری

در این مقاله با مطالعه موردی شش رویداد جنجالی در اینستاگرام تقابل‌های اخلاقی در تعاملات کاربران رسانه‌های اجتماعی ایران مورد توجه قرار گرفت. مهمترین محورهای تقابل‌های اخلاقی شامل بحث درباره اخلاقی - غیر اخلاقی بودن رویداد، شناسایی مقصر، شیوه مقابله با مقصر و جلوگیری از تکرار موارد مشابه بودند. اصلی‌ترین محور چالش کاربران در تقابل‌های اخلاقی دعوا و بحث بر سر اخلاقی - غیر اخلاقی بودن رویداد جنجالی است. از معدود رویدادهای جنجالی که اجماعی نسبی در مورد غیر اخلاقی بودن آن بین کاربران وجود داشت انتشار ویدئویی از رامبد جوان به همراه همسر باردارش و بدون حجاب، موقع خرید کردن در خارج از کشور بود. ولی در سایر موارد بحث‌های جدی بین کاربران در خصوص اخلاقی - غیر اخلاقی بودن این رویدادها وجود داشت. در حالیکه از نگاه اخلاق عمومی سنتی و حتی اخلاق رسانه‌ای و روزنامه نگاری کلاسیک برخی تحلیل‌گران «غیر اخلاقی» بودن برخی از این رویدادها را مسلم فرض می‌کردند، مخالفان اطلاق صفت «غیر اخلاقی» به این رویدادها پر شمار و زیاد بودند و برای ادعای شان استدلال‌هایی را مطرح می‌کردند. از این روست که می‌توان از نوعی تغییر نگرش نسبت به تعاریف پذیرفته شده در اخلاق رسانه‌ای در میان برخی جماعت‌های کاربران رسانه‌های اجتماعی صحبت کرد و در این مسیر گاهی بین رسانه‌های رسمی و رسانه‌های اجتماعی مجازی در این خصوص تفاوت‌ها و تناقض‌های جدی به وجود می‌آید. براساس کنش ارتباطی هابرماس،



شبکه‌های مجازی امکان تعامل و ارتباط را در قالب اجتماعی و به صورت شبکه‌ای برای کاران شان فراهم آورده اند. پایه تعامل در این شبکه‌ها صفحات شخصی است؛ که با توجه به علاقه، نیاز و عقیده کاربر ویرایش و شخصی سازی و بروز رسانی می‌شود. کاربران از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی می‌توانند پروفایل‌ها و صفحات شخصی برای خودشان بسازند و با دوستانشان در ارتباط باشند و نظرات خود را در مورد رویدادهای مختلف به اشتراک بگذارند.

پس از وقوع یک امر غیراخلاقی و پذیرفتن آن این سؤال پیش می‌آید که مقصر این رویداد چه کسی یا کسانی هستند؟ در این بحث برخی یک گروه، دسته، جماعت یا نسل خاصی را مقصر می‌دانستند. در خصوص رویداد حمله به صفحه شبم نعمت زاده بسیاری این ادعا را مطرح می‌کردند که حمله کنندگان اغلب اقشار متوسط و محروم جامعه هستند که تحت فشار اقتصادی و تبعیض اجتماعی هستند و یا بیماران خاص که قربانی قاچاق داروهای فاسد می‌شوند. در ایمن میان برخی کاربران عوامل دولتی از قبیل مدیران و وزیران مفسد و ناکارآمد را مقصر دانسته و برخی همدستی نیروهای دولتی با عوامل خائن و توطئه گر را مطرح می‌کردند. مثلاً بدخواهان متفاوتی توسط برخی از کاربران مطرح شد: آفازده‌هایی که از موقعیت سیاسی و قدرتمند خود در جهت چپاول و دزدی استفاده می‌کنند، حاکمیت ایران افراد خائن دولتی را مجازات نمی‌کند، این رانت خوارها به مراجع بالا وصل هستند و گرنه نمی‌توانند اینگونه به مردم خیانت کنند و خون مردم را داخل شیشه کنند. و غیره.

البته در این فضای گفتگو و بحث در اینستاگرام در مورد وقایع و عملکرد افراد برخی ارزش‌های اخلاقی نیز برساخته می‌شود و بسیار مورد استقبال کاربران قرار می‌گیرند و حتی تلویزیون و مطبوعات نیز به میان می‌آیند و به گسترده شدن و علنی شدن این ارزش اخلاقی دامن می‌زنند نظیر دکتر جوانی که فک و دندان‌های معصومه را رایگان درمان می‌کند تا آلام دردها و روح زخمی او باشد و یا مدیر و معلم‌ان مدرسه‌ای در مناطق محروم کرمان که از جان و مال خود هزینه می‌کنند تا مدرسه تخریب شده بر اثر زلزله را برای دانش آموزان آماده سازند. کاربرا در برابر این رویداد اخلاقی واکنش‌های هیجانی نشان می‌دهند و در مباحث شان عباراتی چون؛ هنوز

انسانیت و معنویت هم در افراد وجود دارد، اقدام این پزشک جوان الگوی بسیاری از پزشکان مادی قرار بگیرد، یا در خصوص اقدام اخلاقی مدیر مدرسه نظرات زیادی در مورد ستایش کار مدیر مدرسه و کوتاهی مسئولان آموزش و پرورش را در خصوص نیازهای دانش آموزان مطرح می‌کنند.

از سوی دیگر کاربران در مباحث شان در خصوص شیوه‌های مقابله با رویداد غیر اخلاقی به طور خاص و رویدادهای مشابه به صورت عام توافق نداشتند. درخواست برای ورود نهادهای رسمی مرتبط و مجازات خاطیان از جمله اصلی‌ترین گزینه‌های کاربران برای مقابله بود. در موارد مرتبط با نامادری که دختر بچه را شکنجه داده بود برخی کاربران درخواست ورود سازمان بهزیستی و نهادهای دولتی و بهداشتی برای شناسایی و جلوگیری از آسیب کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست شدند. در موارد مرتبط با تلویزیون نیز برخی از مسئولان صدا و سیما درخواست اطلاع رسانی و آگاهی دهی برای هوشیارسازی و تشویق از اقدامات اخلاق و ضد اخلاقی داشتند.

اما دو سطح دیگر مباحث مقابله‌ای یعنی «خودکنترلی و توسعه فرهنگ و اخلاق شبکه‌ای از طریق آموزش» و استفاده از ابزارهای فنی شبکه‌ای موارد قابل توجهی هستند که در بازاندیشی اخلاق رسانه در فضای جدید مجازی و شکل دهی به «اخلاق شبکه‌ای» اهمیت قابل توجهی دارند. برخی به لزوم خودکنترلی در این فضا تأکید داشتند و در این راه پیشنهادها عملی را مطرح می‌کردند. مثلاً در عکس‌های شکنجه شده معصومه بسیاری از کاربران اظهار کردند علی‌رغم دست‌رسی به این عکس‌ها، دل دیدن آن را نداشتند ولی ویدئویی که از اقدامات پزشک جوان برای درمان معصومه را دیدند و آن را باز نشر دادند تا این ارزش اخلاق و انسانی الگوی بقیه آحاد پزشکان قرار بگیرد. یعنی در این فضا برخی کاربران نهی از دیدن رویدادهای غیر اخلاقی می‌شوند و در جای دیگری که پای اخلاق به میان می‌آید امر به دیدن و باز نشر آن می‌شوند. شیوه دیگر «استفاده از ابزارهای فنی شبکه‌ای» بود. همچنین پیام‌هایی که دستورالعمل‌های مربوط به رپورت کردن موارد تخلف در رسانه‌های اجتماعی را ترویج می‌کرد نیز در این گروه می‌گنجد. هر یک از این مباحث

سرفصل‌های جدیدی در اخلاق رسانه‌های اجتماعی هستند و پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده به طور مستقل مورد توجه برای سایر پژوهش‌ها قرار بگیرد.

در پایان به نظر می‌رسد برخی کاربران ایرانی رسانه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام را از دل کنش‌گری‌ها و تعامل‌هایی که در این مقاله تشریح شد در مسیر تغییر نگرش در مفهوم اخلاق رسانه و فراتر از آن اخلاق عمومی هستند. آنچنان که در مدل کنشگری تصویر ۲ توصیف شد، کاربران در این مسیر با مواضع متفاوتی برای ورود به بحث در زمینه‌های مختلف از ذخائر بهره می‌گیرند تا حول چالش‌های سه گانه به بحث و تبادل نظر پردازند. همین‌طور می‌توان گفت فرایند تعاملات و مباحث اخلاقی کاربران در رسانه‌های اجتماعی فرایندی پویا و فعال و بی پایان است.

شناخت دقیق ماهیت و هستی رسانه‌های اجتماعی ما را به این نقطه نظر هدایت می‌کند که در رسانه‌های اجتماعی برخلاف سایر اشکال قدیمی تر رسانه، نمی‌توان اخلاق را از طریق تدوین دستورالعمل‌های دستوری نوشت و توصیه کرد. بنابراین می‌توان مدعی شد چنین رویکردی به اخلاق رسانه‌ای جدید به خصوص رسانه‌های اجتماعی مثمر ثمر نخواهد بود. ولی این به آن معنا نیست که اخلاق در رسانه‌های جدید جایی ندارد زیرا همان‌طور که مشاهده شد برخی ارزش‌های والای اخلاقی در رسانه‌های مجازی برساخته می‌شوند به گونه‌ای که اشاعه آن در فضای حقیقی چندان آسان نخواهد بود. براساس نتایج تحقیق کنشگری تقابلی اخلاقی در بسترهای متفاوتی مانند اخلاق عمومی، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق رسانه‌های اجتماعی در جریان است. کاربران رسانه‌ای اجتماعی به عنوان شهروندی دارای ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوتی در نگاه‌های مختلفی درباره مسائل اخلاقی رسانه‌ای در حال تعریف و توسعه است که حول محورهای خودکنترلی، بانشر و استفاده از قابلیت‌های شبکه‌های مجازی دسته بندی و کاربردی می‌شود.

### منابع

#### فارسی:

- ≠ اسپنس، ادوارد؛ الکساندر، اندرو؛ کوئین، آرون؛ و دان، (۱۳۹۳)، «فساد در رسانه‌ها»  
، ترجمه حبیب الله معظمی، تهران، انتشارات سروش.
- ≠ ارمکی، تقی و یحیی امامی، (۱۳۸۳)، «تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی؛ بررسی  
موردی چند تشکل دانشجویی»، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۵۸: ۱-۸۹.
- ≠ ببران، صدیقه؛ خانیکی، هادی؛ و طاهریان، محبوبه (۱۳۹۳)، «رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای  
در خبرهای خبرگزاری‌های رسمی ایران»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال  
نهم، شماره ۱، پیاپی ۲۷.
- ≠ سعیدی، سینا؛ حاجی حسینی، حجت اله؛ و سعیدی، صبا (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر  
نقض قانون حق نشر توسط کاربران اینترنت، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال  
هشتم، شماره ۲۴، ۲.
- ≠ فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- ≠ کلیبر، گلن و مارتین، رویستون (۱۳۹۰)، فرهنگ‌های دیجیتال: درک رسانه‌های  
جدید، ترجمه مرضیه وجدانی، تهران، انتشارات ساقی.
- ≠ لیدنولف، تامس و تیلور، براین، (۱۳۸۸) روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات،  
ترجمه عبدالله گیویان، تهران، همشهری.
- ≠ معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۸۵)، «اصول اخلاق حرفه روزنامه نگاری: زمینه‌های تاریخی،  
مقررات گذاری ملی و پژوهش‌های جهانی، فصلنامه رسانه، سال ۱۷، شماره ۲، ۶۶.
- ≠ میناوند، محمدقلی، (۱۳۸۷)، «مقدمه‌ای بر اینترنت و توسعه سیاسی (حوزه عمومی در  
فضای مجازی)»، فصلنامه سیاست، شماره ۲۵۳-۲، ۲۷۵.
- ≠ نوذری، حسینعلی، (۱۳۸۹)، بازخوانی هابرماس؛ درآمدی بر آراء اندیشه‌ها و نظریه‌های  
یورگن هابرماس، تهران، نشر چشمه.
- ≠ مولایی، محمد مهدی، (۱۳۹۱)، «مسائل اخلاقی عصر رسانه‌های اجتماعی»، ماهنامه  
دنیای کامپیوتر و ارتباطات، سال دوازدهم، شماره ۱۱۲.
- ≠ هوسمن، کارل (۱۳۸۸)، بحران و وجدان: اخلاق روزنامه نگاری، تهران: دفتر مطالعات و  
توسعه رسانه‌ها.

لاتین:

- ≠ - Eronen, Maria (2013). Moral argumentation as a rhetorical practice in popular online discourse: Examples from online comment sections of celebrity gossip. *DISCOURSE & COMMUNICATION*. 8 (3): 278-298.
- ≠ - Kaplan, Andreas M. and Haenlein, Michael (2010). Users of the world, unite! The challenges and opportunities of Social Media. *Business Horizons*. 53 (1): 59°68.
- ≠ - Light, Ben and McGrath, Kathy (2010). Ethics and social networking sites: a disclosive analysis of Facebook. *Information Technology & People*. 23 (4): 29°311.
- ≠ - Marwick, Alice E. and boyd, danah (2014). Networked privacy: How teenagers negotiate context in social media. *New Media & Society*. 16 (7): 1051-1067.
- ≠ - Ries, Tonia (2011). Ethics in the Age of Social Media: What Kind of a Future Are We Building?, *The Realtime Report*, Retrieved March, 24, 2015. URL: <http://therealtime.com/2011/12/20/ethics-in-the-age-of-social-media-what-kind-of-a-future-are-we-building>.